



از کارگران چریک فدایی خلق بیاموزیم



عبدالمناف
فلکی

چریک فدایی خلق، رفیق عبدالمناف فلکی، کارگر آگاهی بود که درد و رنج کار و استثمار را در طول زندگی با همه وجود لمس کرده و قلب پاک وی از سرمایه دار و سرمایه داری به حق پر از خشم و کینه بود. مناف در سال ۱۳۲۵ در یک خانواده



تهیدست در محله حکم آباد تبریز متولد شد. او ۱۲ سال از عمر کودکی خود را در کارگاه های قالی بافی حکم آباد به عنوان یک کاکر قالی باف صرف کرد. همین امر بعدها شناخت و آگاهی او را نسبت به شرایط کار و زیست کارگران بطور عینی شکل و بسرعت ارتقاء داد. مناف بعد ها در ارتباط با رفقا بهروز دهقانی، صمد بهرنگی و کاظم سعادتی قرار گرفت و با رفاقت با آنها بر آگاهی انقلابی خود افزود. رفیق مناف از دوران کودکی خود شعرهایی با این مضمون که یک "گره" برای خودم سه "گره" برای ارباب حفظ بود و پس از آگاهی از آموزش های مارکسیستی به درستی مطرح می کرد که این شعر قالیبافان، مصداقی بر تئوری ارزش اضافی مارکس می باشد. او خود شعرهایی در رابطه با کارگران قالیباف سروده بود و رفیق بهروز دهقانی با مشاهده استعداد شاعری در وی با فرستادن شعرهای او به مجلات آشنا، سعی در تشویق او داشت. دوستی با رفقای فوق و همچنین رفیق علیرضا نابدل، چشم انداز جدیدی در مقابل وی گشود؛ چشم اندازی که هم عزم او را برای ادامه تحصیل جزم نمود و هم به وی امکان داد تا در روابطی تشکیلاتی در جهت تحقق آرمانهای خود و نابودی سرمایه داری گام بردارد. مناف در حین کار برای تامین معاش با پشتکار و پیگیری به تحصیل نیز ادامه داد و پس از اخذ دیپلم، وارد دانشسرای عالی شد و در رشته ریاضی فارغ التحصیل گشت. اما او به تحصیل و کسب دانش نه عنوان وسیله ای برای کسب درآمد بیشتر، بلکه به مثابه وسیله ای برای دستیابی به تئوری انقلابی نگاه می کرد. دست یابی به آگاهی انقلابی به او امکان می داد که این آگاهی را به اشکال پر ثمر تری به میان هم طبقه ای های خود برده و آنها را به صف مبارزه علیه بیداد فرا بخواند. رفیق مناف در تبریز یکی از اعضای گروهی بود که بعدها با نام رفیق احمدزاده شناخته شد. رفیق مناف که بخش بزرگی از زندگی خود را در میان

قرارگاه خاتم الاوصیاء در مقابل کارگران واگن پارس اراک



اعتصاب و تجمعات اعتراضی نزدیک به ۹۰۰ کارگر واگن پارس اراک که برای بار دوم در یک ماه گذشته در صبح روز شنبه ۵ مهر ماه از سر گرفته شد، یک هفته تداوم یافت و با کسب موفقیت نسبی کارگران به پایان رسید. این کارگران در پنجم مهر ماه در اعتراض به عدم برآورده شدن خواسته های خود دست از کار کشیده و در خیابان مجاور محوطه کارخانه نزدیک به بلوار "آیت الله اراکی"، دست به یک تجمع اعتراضی زدند که منجر به بسته شدن یک باند از آن بلوار شد. در این تجمع شعارهایی از طرف کارگران سر داده شد که یکی از آنها خواست استعفای مدیران این واحد تولیدی بود. کارگران به عدم پرداخت سه ماه از حقوق خود (تیر، مرداد و شهریور ماه)، عدم اجرای قانون طبقه بندی مشاغل و مشکلات دیگر در کارخانه معترض بودند. اما به زودی نیروی پلیس و ماموران امنیتی جمهوری اسلامی در تعدادی زیاد کارگران را محاصره نمودند. سهامدار اصلی کارخانه واگن پارس اراک، قرارگاه نظامی خاتم الاوصیاء است. پس از گذشت ساعاتی از تجمع، فرماندار اراک به محل تجمع کارگران آمد و قول داد که به خواسته های کارگران رسیدگی خواهد کرد. در پی وعده های فرماندار کارگران اعتصابی تصمیم گرفتند به محوطه کارخانه بازگردند و اعتراض صنفی شان را در داخل کارخانه ادامه دهند. در روز دوم، کارگران با توجه به عدم تحقق مطالبات خود، اعتصاب و تجمع اعتراضی خود را در محوطه داخل کارخانه ادامه دادند. کارگران خشمگین شعار می دادند "مدیریت حیا کن، کارخانه رو رها کن". آنها در مقابل توجیحات کارفرما مطرح می کردند که در شرایطی که حقوق سه ماه گذشته کارگران پرداخت نشده است، ۵ یا ۶ نفر را به یکی از نمایشگاه های خارج از کشور فرستاده اند که به خودی خود تنش زا و سؤال بر انگیز است. روز سوم اعتصاب کارگران با عدم حضور فرمانده

سرسخن:

طرح های جدید جمهوری اسلامی علیه زنان کارگر!



هر روز که می گذرد شاهد تلاش جدیدی از سوی سرمداران رژیم جمهوری اسلامی برای بیکار سازی زنان کارگر و ایجاد شرایط هر چه اسارت بار تری برای آنها در جامعه هستیم. اگر دیروز با اقداماتی نظیر خارج کردن کارگاه های زیر ده نفر کارگر از شمول قانون کار به استثمار هر چه بیشتر زنان که اغلب در چنان کارگاه هایی مشغول کارند، دامن زدند، و با اقداماتی دیگر موجب بیکاری وسیع زنان شدند، امروز با بردن طرح جدیدی به مجلس تحت عنوان طرح «صیانت از حریم عفاف و حجاب» سعی دارند به بیکار سازی زنان ابعاد وسیعتری داده و مقاصد استثمارگرانه خود را با شدت هر چه بیشتری پیش ببرند.

طرح تازه ارائه شده به مجلس مزین به عبارات ریاکارانه ای نظیر رعایت «حرمت زنان» و یا ادعای ارتجاعی نظیر «ما غیرت دینی داریم» و معاشرت زنان با «نامحرمان» نباید صورت بگیرد، ظاهراً جلوگیری از «اختلاط» زنان با مردان را در مرکز توجه خود قرار داده است. ماده پنج از طرح «صیانت از حریم عفاف و حجاب» مقرر می کند که در واحد های صنفی اشتغال به کار، زنان باید با «پرهیز از اختلاط با مردان و در ساعات متعارف یعنی ۷ صبح تا ۱۰ شب» باشد. و در مورد مشاغلی که زنان به کار شبانه می پردازند تصریح شده است که باید مجوز نیروی انتظامی وجود داشته باشد. شکی نیست که با چنین مقرراتی محدودیت های بسیار زیادی برای اشتغال زنان به وجود آمده و بیکار سازی زنان وسعت هر چه بیشتری می یابد.

اولین بار در تیرماه سال جاری در شهرداری تهران بود که اجرای طرح های سرکوبگرانه مبتنی بر خارج کردن زنان از بازار کار از طرف محمدباقر قالیباف، شهردار تهران مطرح و





بقیه از صفحه ۱

طبقه کارگر گذرانده و همواره تلاش کرده بود کارگران دیگر را با اندیشه های انقلابی و سوسیالیستی آشنا کند، تجربیاتی را در اختیار گروه قرار داد که با تجربیات دیگر رفقای کارگر گروه همسان بود. این تجربیات عینی یکی از عوامل مهمی بود که رفقای تبریز و دیگر رفقای اندیشمند گروه احمدزاده را به این نتیجه رساند که در شرایط ایران، امر ارتباط با کارگران و سازماندهی آنها در تشکل های انقلابی بدون توسل به مبارزه مسلحانه امکان ناپذیر است. آنها به این امر پی بردند که تنها در بستر مبارزه مسلحانه است که زدن نقبی به قدرت تاریخی توده ها و کشاندن آنها به صحنه مبارزه قطعی، امکان پذیر می گردد.

به دنبال رسیدن رفقای گروه احمدزاده به خط مشی مبارزاتی جدید، گروه مبادرت به تشکیل تیم های عملیاتی برای مبادرت به مبارزه مسلحانه نمود و در همین راستا در ۱۳ بهمن ماه سال ۴۹ عملیات حمله به کلانتری ۵ تبریز سازمان داده شد. عملیاتی به فرماندهی رفیق مناف که در طی آن وی با جسارت تمام رفیقی که از طرف دشمن در معرض دستگیری بود را نجات داد و عملیات با مصادره مسلسل نگهبان کلانتری با موفقیت به نتیجه رسید. عملیات حمله به کلانتری تبریز از جمله عملیات هائی بود که قبل از رستاخیز سپاهک برای تدارک مبارزات بعدی سازمان داده شده بود. به دنبال رستاخیز سپاهک و پس از اینکه رفقا سازمان دادن عملیات هائی در پایتخت را در دستور کار خود قرار دادند، رفیق مناف با توجه به نقش اش در فرماندهی عملیات کلانتری تبریز به تهران منتقل شد و در تیمی به فرماندهی رفیق مسعود احمد زاده سازمان یافت. همین تیم بود که در ۱۴ فروردین سال ۵۰ حمله به کلانتری قلهک در تهران را با موفقیت پیش برد و تبلیغات دشمن را که با اعدام رزمندگان سپاهک قصد داشت چنین جلوه دهد که جنبش مسلحانه که با رستاخیز سپاهک اعلام موجودیت علنی کرده بود نابود شده است را نقش بر آب نمود. به خصوص که چند روز بعد از این عملیات تیم دیگری هم تیمسار فرسیو که در اعدام رزمندگان سپاهک نقش داشت را به سزای اعمالش رساند.

با اعلام موجودیت چریکهای فدائی خلق، دشمن که تازه متوجه شده بود که چه کمونیست های جان برکفی در مسیر رهائی طبقه کارگر و همه توده های ستمدیده ایران سلاح به دست در مقابل وی قرار گرفته اند، بر شدت یورش خود به انقلابیون افزود. در جریان این یورش رفیق مناف دستگیر و پس از تحمل شکنجه های ساواک به یک محکمه فرمایشی سپرده شد. در این محکمه چریک فدائی خلق، رفیق مناف با دفاع قاطعانه از اعتقادات انقلابی خود و یارانش و تأکید بر درستی خط مشی مبارزه مسلحانه، برآستی آن دادگاه را به عرصه محاکمه خود رژیم شاه تبدیل نمود و از طرف بیدگاه رژیم شاه حکم اعدام گرفت. هنوز چیزی از زمان محاکمه فرمایشی وی و یارانش نگذشته بود که

بقیه در صفحه ۳

وقیحانه تر از قبل گشته است، گویی این فرزندان خلف خمینی دژخیم، به کشف مقررات و توصیه های جدیدی در اسلام که تاکنون مطرح نکرده بودند نایل آمده اند!!). مثلاً اگر دیروز خمینی در توجیه بیکار سازی و تحمیل کار نیمه وقت به زنان کارگر و در تلاش برای محدود کردن حضور زنان در امور اجتماعی مطرح می کرد که به گفته اسلام جایگاه زن در خانه است و شرکت کردن زنان در کارهای اجتماعی در دوره شاه باعث شد که «آنها حتی مردها را هم فاسد کردند»، اگر دیروز در توجیه دلیل مجبور کردن زنان برای پوشاندن موی سرشان، از قول بنی صدر، اولین رئیس جمهور رژیم گفته می شد که گویا از موی زنان «اشعه» ای ساطع می شود که باعث تحریک مردها می گردد، امروز با شدت گیری بحران اقتصادی در سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران و رشد هر چه شدیدتر بیکاری در جامعه و هم زمان تشدید سیاست خارج کردن زنان از بازار کار، گردانندگان کنونی رژیم به ایجاد فضای تبلیغاتی جدیدی روی آورده و در حالی که در تشریفات خود می نویسند که «بیساری از مسئولان مهمترین وظیفه زنان را تربیت فرزند و همسر داری عنوان می کنند» (نقل از «کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران، ۱۳۹۳/۷/۲۷») و «عفاف و حجاب» برای زنان تجویز می کنند، کار را به جانی هم رسانده اند که جوجه آخوندهایشان با وقاحت تمام مطرح می کنند که «خداوند متعال» گفته است که اساساً «زن باید به لحاظ اقتصادی وابسته به مرد باشد»؛ و یا در برنامه های تلویزیونی شان مطرح می کنند که به گفته اسلام علاوه بر موی سر، همه قرص صورت زن باید پوشیده شود؛ و این امر گویا دلایل به اصطلاح علمی هم دارد و آن این است که از چشمان مرد اشعه ای ساطع می شود که وقتی به صورت زن بخورد باعث پیری زود رس زن می گردد!! (شبهکه ۲، برنامه «زنده باد زندگی» دوم مهر سال جاری) این خرافه و مهملاتی که از فرط مسخره بودنشان بیشتر به شوخی و مزاح شباهت دارند، و به مایه جوک زنان و مردان تبدیل گشته اند، دقیقاً انعکاس و شرح حال ورشکستگی اقتصاد در هم شکسته و گرفتار در چنبره بحران سرمایه داری وابسته ایران است. در چنین شرایطی است که طرح «صیانت از حریم عفاف و حجاب» در مجلس مطرح شده، در شرایطی که فشارهای وحشتناک و خاتمان برانداز وضعیت اقتصادی وخامت بار کنونی بر زندگی کارگران و زحمتکشان آنها در شرایط سیطره اختناق سیاه حاکم بر جامعه، آنها را در یک شرایط جهنمی واقعی قرار داده و باعث شدت گیری مبارزات آنان گشته است. این طرح که بیانگر روی آوری جمهوری اسلامی به سرکوب هر چه شدیدتر و گسترده جامعه و تشدید استثمار هر چه وحشیانه تر کارگران و به خصوص کارگران زن می باشد، پاسخی از طرف رژیم به چنین واقعیتی است.

طرح «صیانت از حریم عفاف و حجاب» و توسعه جداسازی زن و مرد به حوزه های هر چه بیشتر زندگی، از یک طرف با بیکار سازی زنان، محبوس کردن آنها در خانه و جلوگیری از

برکناری زنان کارمند از بعضی پستها و جداسازی اتاق های کار زنان و مردان مورد تأکید قرار گرفت. در ماه شهریور نیز رئیس پلیس اماکن ناجا اعلام کرد که از این پس زنان اجازه اشتغال در قهوه خانه ها و کافی شاپ ها و سفره خانه های سنتی را ندارند. با چنین اقداماتی روشن است که اگر در حال حاضر برغم آمار بسیار بالای بیکاری زنان و زنان سرپرست خانواده، بنا به برخی گزارشات رسمی، زنان تنها ۱۶ درصد از نیروی کار ایران را تشکیل می دهند، این رقم به درجه باز هم پائین تری نزول خواهد کرد.

اگر به گذشته بر گردیم می بینیم که بیکار سازی زنان از همان دوره خمینی و آغاز کار رژیم جمهوری اسلامی با اخراج کارگران زن از برخی کارخانجات بزرگ، تحمیل کار نیمه وقت به آنان و ایجاد محدودیت برای اشتغال زنان در بعضی رشته ها شروع شد. واقعیت این است که خمینی و دارو دسته اش در زمانی روی کار آمدند که سیستم سرمایه داری جهانی که سرمایه داری وابسته ایران نیز جزئی ارگانیک از آن می باشد دچار بحران بود؛ و این هم امر ثابت شده ای است که در شرایط بحران، رژیم های حافظ و مدافع سرمایه داری می کوشند در درجه اول زنان را از بازار کار خارج کنند. چنین رژیم هائی البته برای این کار خود توجیهاتی می تراشند تا توده ها به دلایل اصلی بیکار سازی زنان پی نبرند. با رجوع به تجارب تاریخی می بینیم که مثلاً اگر هیتلر در شرایط شدت گیری بحران در آلمان، در توجیه بیکاری زنان این طور جلوه می داد که گویا معتقد است که زن خوب مادری است که زندگی خود را وقف تربیت فرزندانش می سازد، و دستگاه تبلیغاتی نازی ها خانه نشین شدن زنان را حسنی برای آنان قلمداد می نمودند، در ایران نیز خمینی و دیگر سردمداران جمهوری اسلامی برای لاپوشانی علت اصلی ایجاد محدودیت برای اشتغال زنان- که همانا بحران و رکود در سیستم سرمایه داری ایران بود، ایجاد محدودیت در اشتغال زنان را با توسل به این بهانه که در اسلام در مورد زن انله و بنله گفته شده توجیه کردند.

امروز با شدت گیری بحران در سیستم سرمایه داری وابسته ایران، خوابیدن تولید و بسته شدن کارخانجات یکی پس از دیگری، چنان آهنگ سریعی به خود گرفته است که باعث گسترش شدید بیکاری گشته و نه فقط زندگی کارگران بلکه زندگی آحاد بزرگی از جامعه را نیز در چنگال خود می فشرد. در عین حال با شدت گیری بحران، درجه فشار روی زنان و بیکار سازی آنان نیز ابعاد هر چه فزاینده ای به خود گرفته است. به عبارتی دیگر، هر چه تعطیلی کارخانه ها و مراکز تولید و رشد بیکاری در جامعه شدت و وسعت بیشتری می یابد دست اندرکاران رژیم هم در وسعت و شدت بیشتری به زن ستیزی و محدود کردن کار زنان در جامعه که اکثریت آنان را زنان کارگر تشکیل می دهد، روی می آورند. این دو نسبت کاملاً مستقیم با هم دارند. بر این اساس، شاهدیم که توجیهات ایدئولوژیکی اینان نیز بس





شرکت زنان در امور اجتماعی همراه با مردان، هدف خارج کردن نیمی از آحاد جامعه از صحنه مبارزه با سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی و سنگ اندازی در مبارزات متحدانه زنان و مردان مبارز را دارد، و از طرف دیگر با بی ارزش نمودن نیروی کار زنان کارگر و پانین آوردن دستمزدها و در یک کلام استثمار هر چه بیشتر کارگران - اعم از زن و مرد - باعث افزایش سود سرمایه داران گشته و به قیمت تحمیل یک زندگی تماماً فلاکت بار به خانواده های کارگری، چشم انداز حفظ نظام گنبدیده و در آستانه مرگ سرمایه داری در ایران را تعقیب می کند.

تا جایی که طرح مزبور به موضوع استثمار ربط دارد با نگاهی به شرایط کنونی کار و معیشت زنان کارگر می توان پیامدهایی که اجرای این طرح بر زندگی خانواده های کارگری به جا خواهد گذاشت را هر چه بیشتر متوجه شد. در حال حاضر «کارفرمایان می گویند لازم نیست قراردادی نوشته شود. آنقدر متقاضی در بازار کار وجود دارد که می توان بدون نوشتن قرارداد کارگر استخدام کرد» (نشریه «مشرق امروز» به تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۳) و این تحمیل در مورد زنان کارگر با توجه به محدودیت هائی که برای اشتغال زنان در اثر سیاست های زن ستیزانه جمهوری اسلامی وجود دارد به راحتی صورت می گیرد، از جمله در مورد زنان کارگری که سفارش کار را از تولیدی ها گرفته و در خانه های محقر خود به کار تولیدی می پردازند. زنانی هم که در کارگاه کار می کنند به خاطر زن بودنشان مجبورند با امضای فرم هائی، پیشاپیش خود را از اندک مزایا و حمایت هائی که در قانون کار برای کارگران در نظر گرفته شده محروم سازند و با دستمزدی بسیار پائینی در ساعاتی طولانی برای سرمایه دار کار کنند. حال می توان تصور نمود که بر اساس طرح مورد بحث، با از بین بردن فرصت های شغلی باز هم بیشتری برای زنان، دست سرمایه داران برای استثمار نیروی کار تا چه حد به واقع نامحدود باز تر خواهد شد. وضوح این امر برای خود کارگران به درجه ای است که در نشریات رژیم هم تصریح می شود که: «دستمزد پایین زنان کارگر حتی منجر به اعتراض همکاران مرد آنها شده است. کارگران مرد معتقدند اگر زنان دستمزد بیشتری مطالبه کنند، دستمزد کلی کارگران نیز افزایش خواهد یافت.» (ایلنا، ۱۳۹۳/۲/۷).

بنابراین با اجرای طرح "صیانت از حریم عفاف و حجاب" به قیمت استثمار هر چه وحشیانه تر نیروی کار و مواجه ساختن خانواده های کارگری با مصیبت ها و فلاکت های متعدد، سرمایه داران بر سرمایه خود خواهند افزود و رژیم حاکم امیدوار است که بتواند از این طریق و البته همراه با شدت بخشیدن به فضای ترور و اختناق و اعمال سرکوب های وحشیانه، سیستم سرمایه داری گنبدیده ایران را حفظ و آن را تداوم دهد. اما فشارهای اقتصادی همراه با سیطره دیکتاتوری شدیداً قهر آمیز جمهوری اسلامی که کارد به استخوان مردم رسانده نمی تواند از طرف کارگران و دیگر توده های تحت ستم ایران بی

پاسخ بماند. جامعه ایران امروز آستان حوادثی است که در مسیر خود دیر یا زود جمهوری اسلامی و سیستم سرمایه داری ایران را به گور خواهد سپرد.

بقیه از صفحه ۱

قرارگاه نظامی خاتم الاوصیاء در محل تجمع کارگران - علیرغم قولی که به کارگران داده بود سپری شد. در عوض فرمانده به همراه مدیرعامل، مدیر حراست، اعضای شورای اسلامی کار، مسئول انجمن اسلامی و فرمانده بسیج واگن پارس در قرارگاه نظامی خاتم الاوصیاء (سهامدار اصلی کارخانه) برای رسیدگی به مطالبات صنفی کارگران و یا در واقع چگونگی مقابله با کارگران تشکیل جلسه دادند. به گزارش ایلنا، در چهارمین روز اعتصاب، اعضای شورای اسلامی کار در کارخانه حاضر شدند و نتیجه مذاکرات شب دوشنبه ۷ مهر ماه، با کارفرما و سهامدار اصلی را به کارگران گزارش دادند. انطور که اعضای شورای کار این کارخانه برای کارگران روایت کردند، وقت جلسه آنها صرفاً به گفت و شنود طرفین گذشته بود و جلسه آنها حاوی کمترین پاسخ مثبتی به خواست کارگران نبود. بر این اساس کارگران قصد داشتند از کارخانه خارج شوند تا اعتراض صنفی شان را با تجمع در بیرون از محیط کار ادامه دهند. اما اعضای شورا به مقابله با کارگران پرداخته و سعی کردند از کشاندن شدن مبارزات اعتراض کارگران به بیرون از محوطه کارخانه جلوگیری کنند که این امر باعث درگیری کارگران با اعضای شورای اسلامی کار شد. شدت خشم کارگران به حدی بود که در اثر این درگیری، رئیس شورای اسلامی کار دچار "ضعف جسمانی" شده و به بهداری کارخانه منتقل شد. در رابطه با این اعتصاب یکی از اعضای شورای اسلامی کار که خواست نامش فاش نشود به ایلنا گفته است: اعتراض کارگران بدلیل خلف وعده مدیر عامل واگن پارس در جلسه ای که در پی اعتراضات صنفی ماه گذشته کارگران در شورای تامین شهرستان اراک برگزار شد، صورت گرفته است. کارفرما در آن جلسه تعهد داد علاوه بر پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران در ماه های تیر و مرداد، طرح طبقه بندی مشاغل را در این واحد تولیدی اجرا کند. در ششمین روز اعتصاب با تداوم اعتصاب کارگران و تحت فشار آنها، مدیر داخلی واگن پارس مجبور به استعفاء شد. این موضوع اگر چه موفقیتی برای کارگران محسوب می شد ولی امری نبود که باعث شود که کارگران به اعتصاب خود پایان دهند. بالاخره اعتصاب برحق کارگران واگن پارس اراک پس از یک هفته در پی پرداخت بخشی از مطالباتشان که شامل نیمی از حقوق یک ماه و سه ماه حقوق معوقه بود، پایان یافت.

جان باختن دردناک کارگری در حین کار!

شامگاه روز دوشنبه ۳۱ شهریور ماه، کارگری حین انجام کار با دستگاه ماکارونی ساز در یک کارخانه ماکارونی سازی در شهرستان بروجن از توابع استان چهار محال بختیاری، ناگهان به دستگاه گیر کرد و بدن او به داخل دستگاه کشیده شد. بر

بقیه از صفحه ۲

دژخیمان سلطنت پهلوی این رفیق کارگر چریک فدائی را در ۲۲ اسفند سال ۵۰ به همراه ۸ رفیق فدائی دیگر تیرباران کردند. دژخیمان این امید خام را داشتند که با اعدام وی و رفقای همراهش آرمانهای انقلابی و راه آنها را نابود خواهند ساخت. اما دیدیم که پیام رزم چریک های فدائی خلق و همه کارگران آگاهی که در صفوف آنها علیه جور و ستم سرمایه داران زالو صفت می جنگیدند، کارگرانی همچون مناف که زندگی اش تلاش مستمری بود برای دانستن و آگاه شدن و به کار گرفتن این آگاهی در جهت رهایی کارگران، چقدر زود در سطح جامعه پژواک یافت و چند سال بعد هزاران کارگر را برای تحقق همین آرمانها به صحنه مبارزه بر علیه بیداد کشاند.



اساس گزارش امدادگران، بدن له شده این کارگر که به طرز فجیعی جان باخته بود، پس از چهار ساعت تلاش از دستگاه خارج شد.

اعتصاب ده روزه کارگران معدن زغال سنگ سنگرود و کسب بخشی از مطالبات خود!



روز پنجشنبه ۱۰ مهر ماه، کارگران معدن زغال سنگ سنگرود (البرز غربی) در استان گیلان، پس از ده روز اعتراض موفق شدند حداقل بخشی از مطالبات حقوقی خود را از کارفرمای بیشرم این واحد تولیدی بگیرند. از روز جمعه ۳۱ شهریور ماه، ۲۲۱ کارگر این معدن ضمن خواباندن تولید و تجمع در مقابل ساختمان اداری خواهان پرداخت سه ماه حقوق معوقه خود شده بودند. که مربوط به حقوق ماه های تیر، مرداد و شهریور ماه می شد. کارگران همچنین خواهان لغو موضوع انحلال شرکت زغال سنگ البرز غربی بودند. کارگران اعلام کرده بودند که در صورت بی تفاوتی مسئولان استانی نسبت به مطالبات شان، آنها ناچار خواهند شد به تهران رفته و صدای اعتراض شان را به گوش مقامات پایتخت برسانند. از آن جا که علیرغم اعتصاب و توقف تولید، کارگران از جانب کارفرما و سایر مسئولان استانی عکس العمل خاصی جز "وعده" مشاهده نکردند بنابراین ظهر روز یکشنبه ۶ مهر ماه، یعنی یک هفته پس از شروع اعتصاب خود حدود ۱۵۰ نفر از کارگران معدن سنگرود (البرز غربی) در ادامه اعتراض صنفی شان، با سفر به تهران در مقابل ساختمان وزارت کار تجمع کردند. در همین رابطه یکی از کارگران معترض گفت: امروز، در واکنش به بی توجهی مسئولان استانی به شش روز اعتراض صنفی آرام تصمیم گرفتیم به تهران بیاییم

و اعتراض‌مان را به گوش مسئولان برسانیم. تعداد این کارگران روز بعد به ۲۸۰ نفر رسید و آنها در روز دوم آمدن به تهران در اعتراض به تعویق سه ماهه حقوق و در اعتراض به موضوع انحلال معدن سنگرود، در مقابل ساختمان سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران تجمع کردند. روز سه‌شنبه ۸ مهر ماه، ۲۸۰ نفر از کارگران معترض در سومین روز از حضور اعتراضی در تهران، در مقابل ساختمان مجلس تجمع کردند. یکی از کارگران معترض گفت که ۲۸۰ کارگر این معدن با وجود آنکه دو شب گذشته را به دور از خانواده و در شرایط سختی سپری کرده‌اند اما تا دریافت پاسخ قاطعی از سوی مسئولان به تجمعات خود در تهران ادامه می‌دهند. سرانجام این کارگران معترض با دریافت قول مساعد از وزیر صنعت مبنی بر "بررسی این موضوع در جلسه امروز هیئت دولت" به محل زندگی‌شان در شهرستان رودبار بازگشتند. با این حال هنوز ۳۰ نفر از نمایندگان کارگران برای پیگیری مطالبات‌شان در تهران باقی‌مانده‌اند. مدیر عامل معدن سنگرود که حاضر به پرداخت مزد کارگران نبود بالاخره تحت فشار کارگران و دخالت مراجع ذیربط مکلف به پرداخت مبلغ یک میلیون تومان از مجموع سه ماه حقوق معوقه کارگران گردید.

بیش از یک ماه از اعتصاب کارگران کاشی گیلانا گذشت!



از روز چهارشنبه ۲۶ شهریور ماه، ۱۶۰ کارگر "کارخانه کاشی گیلانا" در اعتراض به عدم پرداخت ۱۶ ماه حقوق خود که مربوط به سالهای ۸۸ تا ۹۳ می باشد مبادرت به اعتصاب کرده اند. در ادامه این اعتصاب با شکایت کارفرما هشت کارگر به وزارت اطلاعات رژیم احضار شده و بر اساس گزارش مزبور "تحت مراحل اولیه بازجویی قرار گرفتند". به دنبال این دستگیری‌ها یکی دیگر از کارگران این کارخانه که برای مذاکره با دادستان "رودبار" به این نهاد قضایی جمهوری اسلامی مراجعه کرده بود نیز توسط ماموران انتظامی به اداره اطلاعات رژیم رودبار منتقل شده و بازداشت شد. به گزارش خبرگزاری هرانا کارگران این واحد تولیدی در اعتراض به این بازداشتها بار دیگر در محوطه کارخانه تجمع کرده و خواهان آزادی کارگران دستگیر شده شدند. با توجه به تهدیدات کارگران و با تداوم اعتصاب و اعتراضات آنها، کارگران بازداشت شده فعلا آزاد شده اند. لازم به یاد آوری است که کارفرمای کارخانه مذکور از ۱۰ نفر از کارگران به جرم "ایجاد اغتشاش" شکایت کرده است. یکی از کارگران اعتصابی در خصوص معوقات سال جاری ۱۶۰ کارگر کارخانه

کاشی گیلانا گفت: از اردیبهشت ماه سال جاری که کارفرمای جدید وارد کارخانه شده است ۶۵۰ هزار تومان حقوق مرداد ماه، ۱۸۰ هزار تومان حقوق تیر ماه و یک ماه کامل حقوق شهریورماه به همراه بیمه تأمین اجتماعی ماههای فروردین، خرداد، تیر، مرداد و شهریور به تعویق افتاده است که باید در اولویت پرداخت مطالبات کارگران قرار داده شود.

در تداوم اعتراضات کارگران کاشی گیلانا، کارفرما جهت اخلاف در اراده کارگران مبادرت به اخراج دو تن از کارگران کرد. اما این اقدام نیز نه تنها در اراده کارگران خالی وارد نساخت بلکه بر عکس صفوف کارگران را فشرده تر ساخته و خشمشان را فزونی بخشید. به همین دلیل هم کارگران با تجمع در محوطه کارخانه به مسئولان کارخانه اعلام کردند که "تصمیمهای اتخاذ شده در جهت متوقف کردن تولید، با تصمیم جمعی کارگران صورت گرفته و این دو کارگر اخراجی هیچ گونه دخالتی در اتخاذ این تصمیم به صورت فردی نداشته‌اند." در نتیجه همزمان با پانزدهمین روز از آغاز اعتصاب صنفی کارگران سرپرست موقت این واحد صنعتی از بازگشت به کار دو کارگر اخراجی خبر داد که موفقیت دیگری برای کارگران تلقی شد. کارگران اعتصابی در کش و قوس روزهای طولانی اعتصاب برای تحت فشار گذاشتن کارفرما تهدید کردند که اگر مطالباتشان متحقق نشود بدون نیاز به کارفرما اداره کارخانه را بدست گرفته و مجدداً تولید را از سر خواهند گرفت. سرمایه دار این واحد تولیدی که بابیش‌ر می به مدت ۱۶ ماه از قبل کار مجانی کارگران سوده‌های گزافی به جیب زده بالاخره در اثر پی گیری مبارزات کارگران تنها حاضر شد که حقوق های معوقه سال جاری را پرداخت کند. در حال حاضر کارگران رضایت داده اند که فعلاً به دریافت حقوق سال جاری شان اکتفا کنند. یکی از کارگران معترض به ایلنا گفت: تجمع کنندگان که در بخش‌های پرس، پخت، کوره، رنگ، لعاب، بسته بندی و... کار می‌کنند خواستار دریافت حداقل حقوق و پرداخت حق بیمه سال جاری برای تمدید دفترچه‌های درمانی‌شان و تأمین امنیت شغلی‌شان پس از خاتمه اعتصاب هستند. تداوم یکماه اعتصاب در حالی که همدلی کارگران با یکدیگر را فزونی بخشید تجربه مبارزاتی شان را نیز ارتقاء داد. اکنون کارگران "کارخانه کاشی گیلانا" در سی و سومین روز از آغاز اعتراض و اعتصاب خود خواستار تشکیل نهاد کارگری مستقل شده اند. در همین ارتباط روز شنبه ۲۶ مهرماه و بعد از گذشت ۳۳ روز از آغاز اعتراضات و اعتصاب این کارگران، حدود ۱۰۰ کارگر با تجمع در سالن غذاخوری این واحد تولیدی خواستار شکل گیری تشکل کارگری مستقل خود شدند. به گفته یکی از نمایندگان کارگران، آنان بعد از سال ۸۳ مرتباً به دنبال تشکیل نهاد کارگری برای پیگیری مشکلاتشان بودند اما کارفرما در زمان انتخابات با ایجاد موانعی سعی می کرد آرای کارگران برای تشکیل شورا را به حد نصاب نرسد. همچنین لازم به یاد آوری است که به گزارش ایلنا، یکی از مسئولین اداره تأمین اجتماعی شهرستان منجیل روز سه‌شنبه یکم مهر ماه، از پرداخت نشدن نزدیک به ۳۰ ماه

حق بیمه کارگران کارخانه کاشی گیلانا خبر داد و درباره وضعیت بیمه‌ای ۱۶۰ کارگر کارخانه مزبور گفت: با توجه به وضعیت بیمه‌ای کارگران کاشی گیلانا هم اکنون محدودیتی از بابت تمدید اعتبار دفترچه بیمه این کارگران نیست. اما چنانچه این کارگران بخواهند برای تعویض دفترچه خود اقدام کنند به دلیل ساختار سامانه صدور دفترچه؛ امکان تعویض دفترچه این کارگران وجود ندارد!

تفاوت فاحش دستمزد زنان و مردان در بخش کشاورزی استان گلستان!

روز چهارشنبه دوم مهر ماه یک زن کارگر در بخش کشاورزی در استان گلستان از پرداخت دستمزدهای نابرابر به زنان و مردان کارگر کشاورزی سخن گفت و تأکید نمود که: دستمزد کارگران زن مناطق علی‌آباد، دلند، آزادشهر در استان گلستان که به امور شخم، وجین، برداشت و... کشاورزی مشغولند، نصف دستمزد کارگران مردی است که همین کار را انجام می دهند. کارفرما به کارگران مرد مبلغ ۱۴ هزار تومان می دهد اما برای همان کار به کارگر زن ۷ هزار تومان دستمزد می‌پردازد. وی با اشاره به این‌که ۷۰ درصد کارگران کشاورز استان گلستان را کارگران زن تشکیل می‌دهند، اظهار داشت: بخش کشاورزی در هر یک از مراحل تولید شدیداً وابسته به فعالیت کارگران زن است. فعالیت این زنان به کار در شالیزارها ختم نمی شود و در فصول متفاوت به فعالیت‌های دیگری چون چیدن صیفی‌جات، محصولات جالیزی، دستقروشی در کنار جاده و حتی کار در کارخانه‌ها نیز می‌پردازند. در حالی که سرمایه داران از قبل استثمار هر چه شدیدتر نیروی کار زنان بر سرمایه خود می افزاید، کارگران زن به‌دلیل دستمزد اندک مجبورند با انجام کار مضاعف برای کسب درآمد بیشتر تا چند نوبت بعد از خاتمه کار در زمین‌های کشاورزی به کار بسته‌بندی، شست و شوی کارخانجات رب‌سازی و... بپردازند. وی خاطر نشان کرد: این نابرابری شامل حال کودکان کار نیز می‌شود و کودکان کار دختر مزد کمتری به نسبت کودک کار پسر دریافت می‌کنند. کارفرمایان با اشاعه تفکر "زنان خوب کار نمی‌کنند" سعی کرده اند پرداخت مزد کمتر به زنان را توجیه کنند، و این در حالی است که زنان کارگر حتی صندوق‌های سنگین را هم بر کول خود حمل می‌کنند. زن کارگر مزبور با اشاره به این‌که در میان کارگران زن، زنان کارگر باردار نیز به‌چشم می‌خورند در ادامه گفت: شرایط کاری و مزدی نیز برای کارگران باردار یکسان است.

۳ ماه حقوق ۲۵۰ کارگر شهرداری منطقه یک اهواز را پرداخت نکرده اند!



روز جمعه ۴ مهر ماه جمع زیادی از کارگران شهرداری اهواز در مقابل ساختمان شهرداری منطقه یک این شهر در اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق قانونی خود دست به تجمع زدند. یکی از کارگران خدمات شهری منطقه یک اهواز در تشریح این حرکت اظهار داشت: شرکت پیمانکاری "مروارید درخشان" حدود ۲۵۰ کارگر خدماتی در منطقه یک اهواز دارد که پرداخت حقوق آنان سه ماه به تاخیر افتاده است. با وجود تعویق سه ماه حقوق در سال جاری متأسفانه هنوز سنوات، عیدی و پاداش سال گذشته کارگران نیز به آنان پرداخت نشده است. این کارگر خدماتی شهرداری اهواز با بیان اینکه کارگران به دلیل نداشتن امنیت شغلی و ترس از اخراج قدرت بیان مشکلاتشان را ندارند و در صورت اعتراض تهدید به اخراج می شوند، افزود: پیش از این نیز در تاریخ دهم آذر ماه سال گذشته حدود ۴۰ نفر از کارگران خدماتی شهرداری منطقه یک اهواز در اعتراض به قراردادهای غیر قانونی کار و ۵ ماه حقوق معوقه، تجمع کرده بودند.

پیروزی اعتصاب کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه!



بیش از ۵۰۰ کارگر صنعتی کشت و صنعت نیشکر هفت تپه (واقع در شهر شوش از شهرهای شمالی استان خوزستان) صبح روز چهارشنبه ۹ مهر ماه، در اعتراض به آنچه پدید آمدن شکاف عمیق حقوقی و مزدی در پی بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل می خواندند، دست از کار کشیدند. کارگران اعتصابی می گویند طرح جدید طبقه بندی مشاغل به شکاف عمیق حقوقی میان کارگران، کارمندان، سرپرستان کارگاه ها و مدیران کارخانه دامن زده است و خواهان تجدید نظر کلی در این طرح شده اند، در همین رابطه، یکی از کارگران که خواست نامش فاش نشود اظهار داشت: عوامل کارفرما و اعضای شورای اسلامی کار طرح طبقه بندی مشاغل را به صورت ناعادلانه بازنگری کرده اند به گونه ای که به جای امتیاز دادن به سابقه کار، به تحصیلات امتیاز داده اند، آنهم در شرایطی که ۸۵ تا ۹۰ درصد کارگران این واحد صنعتی، تحصیلاتی کمتر از دیپلم دارند. اداره کار هم، به دلیل موافقت شورای اسلامی کار، طرح جدید طبقه بندی مشاغل را تایید کرده است. به دنبال اعلام اعتصاب کارگران مدیرعامل، مدیر حراست، مدیران داخلی و اعضای کمیته طبقه بندی مشاغل کارخانه کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در عصر همان روز تشکیل جلسه دادند و خواسته کارگران را بررسی کردند. بر اساس این گزارش، در این جلسه تصمیم گرفته شده است برگره هایی میان کارگران

توزیع شود تا آنان اعتراضشان را به طرح جدید طبقه بندی مشاغل بنویسند و به کمیته طبقه بندی مشاغل کارخانه تحویل دهند. این کمیته بعد از بررسی اعتراضات در سریع ترین زمان ممکن به بازنگری مجدد طرح اقدام خواهد کرد. یکی از کارگران روز پنجشنبه دهم مهر ماه، در همین رابطه گفت، کارگران در پی تصمیمات اتخاذ شده در جلسه دیروز به کار بازگشته اند اما منتظر اعلام نظر نهایی کمیته طبقه بندی مشاغل هستند. پس از اینکه کمیته بازبینی کننده طبقه بندی مشاغل پیشنهاد نهایی خود را اعلام نمود بار دیگر کارگران دست به تجمع اعتراضی زدند. بر اساس این گزارش صبح روز شنبه دوازدهم مهر ماه، بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران بخش صنعت داخلی شرکت بار دیگر تجمع های اعتراضی خود را در مقابل دفتر امور اداری این واحد اداری از سر گرفتند. علت از سرگیری تجمع اعتراضی کارگران هفت تپه، بنا به گفته یکی از کارگران معترض؛ نارضایتی آنان از پیشنهاد نهایی کمیته بازبینی کننده طبقه بندی مشاغل می باشد. وی همچنین افزود: در اجتماع امروز حدود ۷۰ تن از رانندگان ماشین های استیجاری شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه نیز به دلیل عدم دریافت حقوق خرداد تا مهرماه خود به خیل اعتراض کنندگان پیوسته اند. یکی از موارد اعتراض کارگران مسئله حضور نماینده شورای اسلامی کار در کمیته بازبینی می باشد. کارگران می گویند: این فرد به نمایندگی از کارگران در کمیته طبقه بندی مشاغل حضور داشت اما در عمل به وظیفه صنفی خود عمل نکرده است. در پی اعتراض بیش از یک هفته ای کارگران نیشکر هفت تپه روز دوشنبه چهاردهم مهر ماه، مدیرعامل این کارخانه با پذیرفتن اشکالات طرح طبقه بندی مشاغل در این شرکت که نارضایتی شمار زیادی از کارگران را در پی داشت، دستور توقف اجرای این طرح را صادر کرد و از سوی دیگر موافقت خود را برای افزایش ۱۵۰ هزار تومانی حقوق و دستمزد کارگران از ابتدای شهریور ماه اعلام کرد. به گفته یکی از کارگران، همچنین مدیرعامل جدید قول داده است که به یکی دیگر از مطالبات کارگران مبنی بر برکناری مدیران ناکارآمد و غیرمتخصص رسیدگی کند. بنا به اظهارات کارگران نیشکر هفت تپه، مدیرعامل جدید یکی دیگر از موارد اعتراضی کارگران مبنی بر توقف پرداخت ۸۰۰ هزار تومانی رفت و آمد مدیران برای طی کردن مسافت ۵ کیلومتری از خانه به شرکت را پذیرفته و دستور قطع این پرداخت را صادر کرده است. بنا بر این گزارش، کارگران با توجه به وعده های مدیرعامل جدید به کار بازگشتند.

محدودیت های بی سابقه برای اشتغال زنان!



روز چهارشنبه ۱۶ مهرماه مجلس جمهوری اسلامی از وصول طرحی با امضای ۳۶ نماینده مجلس، خبر داد. در این طرح که در رابطه با اشتغال زنان می باشد تاکید شده که: "اشتغال به کار بانوان در واحدهای صنفی باید با رعایت حرمت آنها و پرهیز از اختلاط با مردان و در ساعات متعارف یعنی هفت صبح تا ۱۰ شب باشد." و همچنین مطرح شده که "در صورت نیازمندی نوع کار واحد صنفی به کار شبانه زنان، کارفرما نیازمند دریافت مجوز از اداره اماکن نیروی انتظامی خواهد بود." به این ترتیب نمایندگان مجلس ارتجاعی رژیم گامی جدید در جهت محدود کردن کار زنان برداشته و در طرح زن ستیزانه خو تاکید کرده اند که جریمه کارفرمایی که این موازین را رعایت نکنند در مرحله اول یک هفته تعطیلی واحد صنفی و در صورت تکرار تعطیلی به مدت یک ماه پیش بینی شده است. البته طراحان این طرح فعلا مشاغل پرستاری، پزشکی و مهمانداری هواپیما را از شمول این ماده خارج کرده اند. این طرح که جلوه روشنی از تبعیض جنسیتی می باشد، در صورت تصویب باعث بیکاری بخش بزرگی از کارگران زن می گردد.

تاکتیک فشار به کارگر برای مقابله با اعتراضات کارگران!

روز شنبه پنجم مهر ماه، یکی از کارگران یک واحد پتروشیمی در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر که تاکید داشت نامش محفوظ بماند در واکنش به محکومیت چهار کارگر پتروشیمی رازی، به اینها گفت: بعضی کارفرمایان با وارد آوردن فشار کاری غیرمستقیم سعی در کنترل و یا "از میدان به در کردن نمایندگان کارگری" را دارند. این کارگر در ادامه گفت: کارفرما با در نظر گرفتن "تخصص" هر یک از نمایندگان کارگری به صورت ناملموس تلاش می کند تا آنان را با اهداف خود همسو کند. وی افزود: کارهای فنی نیاز به تمرکز و دقت بالایی دارند زیرا ائتلاف تجهیزات و نیروی انسانی در این بخش هزینه سنگینی دارد؛ کارفرما با علم به این موضوع با کاهش زمان انجام کار فشار روانی ناشی از اتمام کار را بر نماینده کارگران افزایش می دهد و در این شرایط چنانچه خطایی (ناشی از خستگی در کار) روی دهد، کارفرما در قبال بخشش و یا چشمپوشی از آن خطا می تواند نماینده کارگران

۱۰۰ هزار زن سالانه از بازار کار حذف میشود!



روز شنبه پنجم مهر ماه یک کارشناس کار آفرینی زنان، با استناد به آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران اعلام کرد که سالانه صد هزار زن از بازار کار در ایران خارج می‌شوند. و در ادامه گفت ما در بخش دولتی به دلیل بحث کوچکسازي، فرصت استخدام نداریم و در بخش خصوصی نیز کارفرمایان، ترجیح می‌دهند در ازای هزینه‌ای که می‌کنند، حداکثر استفاده را از نیروی کار داشته باشند، بنابراین ممکن است ترجیح دهند در این بخش بیشتر از مردان که می‌توانند ساعات طولانی‌تری را کار کنند، استفاده شود. درحالی که خانم‌ها به دلیل نقش‌های متفاوتی که در زندگی دارند معمولاً می‌توانند تنها همان ساعات استاندارد کاری وزارت کار را بیرون از خانه به فعالیت مشغول باشند.

۳ هزار کارگر شرکتهای زیر مجموعه اویک سه ماه است که حقوق دریافت نکرده اند!

یکی از کارگران پیمانی شاغل در شرکت "محور سازان" از شرکتهای زیر مجموعه "اویک" در منطقه عسلویه از تعویق سه ماه حقوق حدود سه هزار کارگر این شرکت اطلاع رسانی کرد و گفت: سه شرکت پیمانکاری "محور سازان"، "تتاب" و "احداث" که در فازهای ۱۷ و ۱۸ منطقه عسلویه در زمینه نصب لوله‌های گازی زیر نظر شرکت توسعه صنایع نفت و انرژی (اویک) فعالیت دارند حدود ۳ هزار کارگر دارند که پرداخت حقوق آنان با سه ماه تاخیر انجام می‌شود. معوقات حقوقی این تعداد کارگر مربوط به ماه‌های تیر، مرداد و شهریور سال جاری می‌باشد و بیمه تامین اجتماعی این کارگران نیز به دلایل نامعلومی که کارگران از آن بی‌اطلاعند در ماه‌های تیر و خرداد واریز نشده است. و با توجه به وضعیت موجود امنیت شغلی، کارگران منطقه عسلویه به دلیل ترس از اخراج و عدم توانایی در برخورد با کارفرمایان بزرگ نفتی، سکوت اختیار کرده‌اند. در این رابطه کارفرمای شرکت پیمانکاری "احداث" در منطقه عسلویه ضمن تایید به تعویق افتادن حقوق کارگران این شرکت، عامل تاخیر حقوق کارگران را پرداخت نشدن صورت وضعیت‌های مالی شرکتهای پیمانکاری از سوی شرکت ملی نفت دانست. او با بیان اینکه شرکت "احداث" به همراه چند شرکت پیمانکاری دیگر زیر نظر شرکت "اویک" در فازهای ۱۷ و ۱۸ منطقه عسلویه در زمینه راه اندازی پروژه‌های نفتی با ۳ هزار کارگر به فعالیت مشغولند افزود: تاخیر در پرداخت حقوق کارگران از سوی اکثر پیمانکاران به صورت روال در آمده است. در این شرایط هر ماه حقوقی که به کارگران پرداخت می‌شود در واقع

ما را با همان شرایطی که پیش از این اتفاقات کار می‌کردیم به صورت پیمانی استخدام می‌کند و تا تاریخ ۲۹ اسفند با ما قرارداد می‌بندد. و در پایان اظهار کرد: کارفرما و نمایندگان کارگران فردا در اداره کار استان ایلام مذاکره می‌کنند و برای شیوه بازگشت به کار هر ۱۰۴ کارگر اخراجی تصمیم خواهند گرفت.

در پایان این گزارش از قول یکی از کارگران معترض آمده است که: جلسه مذاکرات نمایندگان کارگران اخراجی پتروشیمی ایلام با مدیران میانی این مجموعه و مقامات محلی که صبح چهارشنبه ۱۶ مهر ماه، در پتروشیمی ایلام برگزار شد بدون آنکه به نتیجه خاصی منجر شود پایان یافت. این کارگر ادامه داد، مدیران میانی حاضر در جلسه امروز بر خلاف وعده قبلی کارفرما برای تعهد در قبال امنیت شغلی کارگران مطالب دیگری را طرح کردند. اینان می‌خواهند زمان بخرند تا کارگرانی که از ابتدای تابستان حقوق نگرفته‌اند را وارد کنند تحت شرایط ناعادلانه به کار بازگردند یا از ادامه اشتغال در این واحد تولیدی منصرف شوند.

مدیران پتروشیمی ایلام در جلسه امروز گفتند برای امنیت شغلی کارگران هیچ تضمینی نمی‌دهند و ما هم می‌گوییم بر اساس حکم اداره کار، کارگر پتروشیمی ایلام هستیم و تا زمانی که خلافتش ثابت نشود این واحد تولیدی باید حقوقمان را بدهد.

جان باختن سه کارگر ساختمانی در جین راک در اراک!

به گزارش نیروهای امدادی اراک، سه کارگر جوان بعد از ظهر روز دوشنبه ۷ مهر ماه، به دلیل نقص فنی دستگاه بالابر از طبقه ۱۶ یک ساختمان نیمه کاره واقع در کمربند جنوبی اراک در نزدیکی ترمینال مسافربری سقوط کردند و در دم کشته شدند. بنا به گفته امدادگران تصادم به حدی بود که این کارگران به شدت از نواحی مختلف بدن دچار آسیب‌دیدگی شده بودند و حتی امکان اهدا اعضا بدن آنان نیز وجود نداشته است. دو روز پس از کشته شدن این سه کارگر ساختمانی، گزارش شد که "نقص فنی دستگاه بالابر" عامل سقوط سه کارگر از طبقه ۱۶ و کشته شدنشان بوده است. اما بعداً ادعا شد که سقوط بالابر "به علت نامعلومی" بوده است! از قرار شرکت بازرگانی و سرمایه گذاری آینده کیش (بساک) که مالک ساختمانی است که این حادثه در آن رخ داده با چنین گزارشی توافق نشان نداده و آنرا نادرست می‌دانست. اما بالاخره پس از گذشت هشت روز از جان باختن سه کارگر ساختمانی در اراک، سرانجام مسئول بازرسی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان مرکزی، روز سه شنبه ۱۵ مهر ماه، علت وقوع این سانحه شغلی را اعلام کرد و گفت: نقص در بالابر و کار نکردن حائل ایمنی علت پاره شدن کابل و سقوط سه کارگر ساختمانی بوده است.



را و ادار کند تا او نیز در قبال خواسته‌های صنفی کارگران به اصطلاح نرمش نشان داده و از حق کارگران بگذرد. کارفرمایان در برخی از مواقع با پیشنهاد دادن پست‌های بالا به نمایندگان یا فعالان کارگری سعی در پیشبرد اهداف خود و یکدست کردن فضای تلاش برای مطالبات کارگری همسو با منافع خود دارند. در خاتمه گزارش آمده است، در جلسات نمایندگان کارگری - کارفرمایی که محل ارتباط دوجانبه برای پیگیری مطالبات صنفی کارگران است، بالای برکه صورت‌جلسات جمله "حفاظت اطلاعات منطقه" نوشته شده است که به‌گونه‌ای غیرمستقیم به نمایندگان کارگران این مفهوم را می‌رساند که رونوشتی از تمامی گفتگوهای جلسه به مراجع امنیتی ارسال می‌شود.

تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی ایلام مقابل مجلس!



صبح روز دوشنبه چهاردهم مهر ماه، جمعی از کارگران پتروشیمی ایلام در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان، مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. این کارگران که عده‌ای از آنها نیز به گفته خودشان از سوی کارفرما اخراج شده‌اند، خواستار پرداخت مطالبات قانونی خود از پتروشیمی ایلام بودند که تا کنون چند ماه است به تعویق افتاده و پرداخت نشده است.

در رابطه با دلیل این تجمع اعتراضی یکی از کارگران اخراجی پتروشیمی ایلام روز سه شنبه ۱۵ مهر ماه، گفت: ما ۱۰۴ کارگر اخراجی پتروشیمی ایلام هستیم که تا پایان خرداد امسال زیر نظر شرکت پیمانکاری کار می‌کردیم، اما از ابتدای تیر و در پی اتمام قرارداد، کارفرما با پیمانکار در حالی به کار ادامه می‌دادیم که زیر نظر مستقیم کارفرما قرار داشتیم. کارفرما در تاریخ ۱۶ تیر ماه، حدود ۴۰ نفر از ما را اخراج کرد. سایر کارگران به این اخراج‌های گسترده واکنشی نشان ندادند، هر چند از گوشه و کنار شنیده می‌شد به زودی نوبت اخراج بقیه ما فرا می‌رسد. این شنیده‌ها خیلی زود به واقعیت تبدیل شد و کارفرما در تاریخ ۷ مرداد ماه، مصادف با عید فطر از ورود همگی ما به کارخانه جلوگیری کرد. نکته جالب این بود که کارفرما یک هفته بعد از این اخراج‌های گسترده، شماری کارگر روزمزد را استخدام کرد تا کارهای کارخانه بر زمین نماند. طبیعی بود ما به جمع ۴۰ کارگری که پیش‌تر اخراج شده بودند بپیوندیم و از تصمیم کارفرما مبنی بر اخراج غیر منتظره‌مان به اداره کار استان ایلام شکایت ببریم. در بخش دیگری از این گزارش به نقل از این کارگر آمده است: کارفرما در جدیدترین پیشنهادش گفته است



حقوق ماه‌های گذشته اوست. وی در خاتمه در مورد تضمین امنیت شغلی کارگران با اتمام پروژه‌ها، تصریح کرد: با اتمام پروژه‌ها در صورتی که نتوانیم با دریافت پروژه جدید با آنان همکاری کنیم ناچاریم با کارگران تسویه حساب کنیم.

جان باختن یک کارگر بر اثر انفجار در کارخانه پمپ‌های صنعتی هشتگرد!

به گزارش امداد و نجات هشتگرد در استان البرز، بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۵ مهر ماه، بر اثر انفجار در کارخانه "پمپ های صنعتی" در این شهرستان یک کارگر جان خود را از دست داد و دو کارگر دیگر مجروح شدند. این کارگران مشغول تزریق گاز نیتروژن (گاز خنک کننده) با شلنگ مخصوص و با فشار به پمپ های بزرگ صنعتی بودند که انفجار رخ داد و باعث چنین حادثه ای گشت.

اخراج شبانه کارگر قراردادی سازمان آب و فاضلاب تهران!

روز پنجشنبه سوم مهر ماه، یکی از کارگران قراردادی شرکت پیمانکاری "نماد پیشکسوتان آب" در تشریح جزئیات اخراج شبانه‌اش، به ایننا گفت: "عصر روز دوشنبه ۱۰ شهریورماه، طی تماس تلفنی از سوی کارفرما به من اعلام شد که قرارداد شما خاتمه یافته و از فردا نباید سرکار حاضر شوید." وی که از ۲۴ سال پیش به صورت قراردادی در یکی از شرکت‌های پیمانکاری شرکت آب و فاضلاب استان تهران مشغول به کار بوده است در ادامه گفت: این ابلاغیه تلفنی شبانه بدون هیچ توجیهی به اطلاع من رسید. آخرین بار قرارداد کاری من از تاریخ ۱۵/۰۶/۹۲ تا ۱۵/۰۶/۹۳ منعقد شده بود و با گذشت این همه سال نمی‌توانم باور کنم که بدون هیچ دلیلی شبانه از کار اخراج شده‌ام. در بخشی از این گزارش آمده است، مطابق قرارداد کار، کارفرما می‌بایست یک ماه قبل از اتمام زمان قرارداد، مسئله قطع همکاری را به کارگر اعلام می‌کرد. امری که نشان می‌دهد کارفرما بدون توجه به قانون، کار خود را پیش برده است.

جان باختن دو نفر بر اثر آتش‌سوزی کارگاه مواد ناریه «آتش زا» در تهران!

سازمان صنایع دفاع کشور، صبح دوشنبه چهاردهم مهر ماه، اعلام کرد که شب یکشنبه سیزدهم مهر ماه، بر اثر آتش‌سوزی یک کارگاه تولید مواد ناریه (آتش‌زا) در شرق تهران، ۲ نفر از کارکنان این کارگاه جان خود را از دست دادند. بنا بر این گزارش، آتش سوزی شب گذشته مهار شده است، اما عوامل و علت این سانحه اعلام نگشته است.

به ۱۴۰۰ کارگر معادن البرز شرقی ۲ ماه حقوق پرداخت نشده است!



یکی از کارگران معادن زغال سنگ البرز شرقی در استان سمنان روز یکشنبه ششم مهر ماه، از تعویق بیش از ۲ ماه حقوق ۱۴۰۰ کارگر شاغل در این واحد، خبر داد و گفت: علاوه بر تعویق ۲ ماه حقوق که مربوط به ماه‌های مرداد و شهریور می‌شود، مابه التفاوت حقوق سالهای ۹۰ تا ۹۱ نیز به کارگران پرداخت نشده است. این کارگر با بیان اینکه هر ماه حقوق کارگران این واحد با تاخیر پرداخت می‌شود پیرامون وضعیت و آگذاری معدن البرز شرقی به بخش خصوصی گفت: بعد از آگذاری معادن البرز شرقی به ذوب آهن اصفهان؛ هنوز هیچ پولی بین سازمان خصوصی سازی و ذوب‌آهن رد و بدل نشده و شائبه و آگذاری مجدد این واحد به دولت قوت گرفته است. از مسئولان کشوری و استانی می‌خواهیم مانع خصوصی سازی این معدن و فروش ۴۲ هکتار از املاک آن که در مرکز شهر شاهرود واقع شده به شهرداری شوند. در خاتمه وی اضافه کرد، ۶۰ نفر از کارگران این واحد در ماه‌های اخیر در شرف بازنشستگی تحت قانون مشاغل سخت و زیان آور هستند اما به دلیل آنکه کارفرما سهم بیمه ۴ درصدی خود را برای این تعداد کارگر به تامین اجتماعی واریز نمی‌کند امکان بازنشستگی ندارند.

تجمع اعتراضی کارگران قطار شهری اهواز چهار روز متوالی ادامه داشت!



بیش از ۱۵۰ کارگر پیمانی قطار شهری اهواز صبح روز دوشنبه ۳۱ شهریور ماه دست از کار کشیده و مقابل ساختمان مرکزی کارگاه قطار تجمع کردند. بر اساس این گزارش، ۹۰۰ کارگر پیمانی قطار شهری اهواز از ابتدای اردیبهشت امسال حقوق نگرفته‌اند. شرکت پیمانکاری کیسون به دلیل آنچه "کمبود منابع مالی" می‌خواند، از پرداخت حقوق کارگران در ماه‌های گذشته خودداری کرده است. روز چهارشنبه و در سومین روز اعتصاب و تجمع کارگران سایر کارگاه‌های این پروژه عمرانی نیز به کارگران اعتصابی پیوستند و در تجمع صبح

اخبار این ماهنامه منعکس کننده گوشه ای از شرایط زندگی، کار و مبارزات کارگران ایران و موقعیتی است که سرمایه داران زانو صفت برای کارگران ما به وجود آورده اند. این اخبار در خود رسانه های رژیم نیز (عمدتاً در گزارشات ایننا) انعکاس یافته اند.

روز سوم تعداد کارگران به نزدیک به ۳۰۰ نفر رسید. بر اساس این گزارش، حدود ۱۰۰ کارگر شیفت شب قطار شهری اهواز نیز برای سومین شب متوالی دست از کار کشیده بودند.

کارگران این مجموعه پیش‌تر در بهمن ماه سال ۹۱، آذر ماه پارسال و خرداد سال جاری در اعتراض به تعویق چندین ماهه حقوقشان تجمع کرده بودند. این گزارش می‌افزاید، شرکت پیمانکاری کیسون در پایان هر یک از تجمعات یاد شده، شماری از کارگران فعال در این اعتراضات صنفی را به بهانه‌های غیر صنفی اخراج کرده است. در آخرین تجمع اعتراضی کارگران کیسون که برای ۵ روز متوالی در خرداد ماه امسال صورت گرفت، ۴ نفر از کارگران که پیگیر مطالبات صنفی خود و همکارانشان بودند، به بهانه‌های مختلف و عموماً غیر صنفی اخراج شدند.

اعتصاب کارگران پیمانی قطار شهری اهواز صبح روز پنجشنبه ۳ مهر ماه، در پی وعده یکی از مدیران شرکت پیمانکاری مبنی بر پرداخت معوقات کارگران در ۲۰ روز آینده پایان یافت. بر اساس این گزارش، کارگران در پی وعده‌های پیمانکار به اعتراض صنفی‌شان خاتمه داده و در انتظار پرداخت حقوق معوقه خود به سر کار باز گشته اند.

۱۰۰ کارگر پالایشگاه آبادان اخراج شدند!

روز یکشنبه ششم مهر ماه، یکی از کارگران شاغل در پالایشگاه آبادان از تعدیل حدود ۱۰۰ کارگر پیمانکاری شاغل در فاز سه پالایشگاه آبادان به دلیل اتمام قرارداد کاریشان با شرکت پیمانکاری "جندی شاپور"، خبر داد. و گفت: این تعداد کارگر طی سه ماه اخیر حقوق دریافت نکرده‌اند. او با بیان اینکه هنوز از اتمام پروژه ای که در دست شرکت جندی شاپور در فاز ۳ پالایشگاه آبادان می‌باشد زمان باقی است، افزود: یکی از مشکلات این شرکت پیمانکاری مسدود شدن حسابهای بانکی‌اش از سوی اداره دارایی آبادان به دلیل افزایش بدهی‌ها است که مشکلات را چند برابر کرده است. این کارگر با تأکید بر این موضوع که "در صورت وجود نظارت بر شرکت‌های پیمانکاری می‌شد از بیکاری کارگران جلوگیری کرد" در ادامه گفت: هر یک از این پیمانکاران، پروژه‌های متفاوتی در فازهای مختلف پالایشگاه آبادان بر عهده دارند و می‌توانستند با این کارگران را به پروژه‌های دیگر منتقل کنند. با وجود آنکه بیشتر کارگران پیمانکاری شاغل در پالایشگاه نفت آبادان، افراد کار بلد و ماهری هستند که پس از گذراندن دوره‌های تخصصی از طریق اخذ آزمون استخدام شده‌اند اما همواره به دلیل موقت بودن قرارداد کار در معرض تعدیل و اخراج قرار دارند.

به کارگران کنتورسازی ایران سه ماهه که حقوق پرداخت نشده است!



یکی از کارگران کارخانه کنتورسازی ایران واقع در استان قزوین، روز یکشنبه ششم مهر ماه، اعلام کرد که، طی سه ماه گذشته کارگران این کارخانه حقوقی دریافت نکرده‌اند. و پرداخت حقوق نیروی کار این واحد تولیدی در ماه های خرداد، تیر و مرداد به تعویق افتاده است. مشکل اصلی کارخانه کنتورسازی ایران تامین نشدن قطعات تولید کنتور و لامپ است که از کشور چین وارد می‌شود. وی با اشاره به اینکه کارگران به دلیل ترس از اخراج، توان مطرح کردن مشکلاتشان را در مجامع کارگری و رسانه‌ها ندارند، گفت: اکثر قریب به اتفاق کارگرانی که در این واحد کار می‌کنند قرارداد کاریشان کوتاه مدت (یک ماه تا سه ماه) است که طبیعتاً فاقد امنیت شغلی هستند. هر چند ماه یکبار کارفرما تعدادی از کارگران قرار دادی کارخانه را اخراج می‌کند، آخرین بار در تیر ماه سال جاری ۱۵ نفر از کارگران قراردادی این واحد به بهانه عدم نیاز اخراج شدند و هم اکنون پرونده شکایت این کارگران در اداره کار شهرستان البرز جریان دارد. با وجود اخراج ۱۵ کارگر این کارخانه در تیر ماه سال جاری، قرار داد حدود ۳۰ نفر دیگر در مرداد ماه تمدید نشد و پیش از این نیز در اسفند ماه سال گذشته قرار داد ۳۰ کارگر دیگر تمدید نشده بود. همچنین اوایل شهریور ماه جاری، ۲۵ نفر از کارگران این کارخانه به دلیل عدم دریافت حقوق و دشوار بودن شرایط کار به طور خود خواسته ترک کار کردند و این در حالیست که پیش از این نیز تعداد دیگری از کارگران به همین شیوه محل کارشان را ترک کرده بودند.

۲۵ نفر از کارگران پروفیل ساوه اخراج شدند!



روز سه شنبه هشتم مهر ماه، یکی از کارگران کارخانه پروفیل ساوه، با اعلام خبر اخراج ۲۵ نفر از همکارانش، توسط کارفرمای کارخانه، گفت: پیش‌تر کارفرما به کارگران وعده داده بود که بخشی از مطالبات معوقه هشت ماهه آنان، در پایان شهریور ماه پرداخت می‌شود اما با گذشت هشت روز از شروع ماه جدید هنوز کارگران ریالی بابت این مطالبات دریافت نکرده‌اند. وی در تشریح نحوه تعدیل همکاران خود گفت: حدود ۲۰ نفر از کارگران به دلیل اتمام قرارداد اخراج شده‌اند اما در مورد باقیمانده کارگران، کارفرما با وجود قرارداد از حضور آن‌ها در داخل کارخانه جلوگیری می‌کند. کارگران باقیمانده که تعداد آن‌ها تا ۵ نفر می‌رسد از نظر اعتبار قرارداد مشکلی ندارند چراکه برخی از آن‌ها همین چند روز پیش قرارداد کاری جدید را برای مدت دو ماه امضا کرده بودند.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری اهواز!

صبح روز سه شنبه ۱۵ مهر ماه، حدود ۱۲۰ نفر از کارگران خدماتی شهرداری منطقه ۲ اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن بیمه و سنوات و عیدی سال گذشته در مقابل ساختمان شهرداری مرکز واقع در خیابان سپاه اهواز تجمع کردند. مسئولان شهرداری اهواز با حضور در جمع کارگران معترض به آنان قول پرداخت مطالبات معوقه‌شان حداکثر تا پایان روز پنجشنبه ۱۷ مهر ماه، را دادند. یکی از کارگران معترض گفت: سال گذشته کارگران خدماتی منطقه ۲ شهرداری اهواز تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری "مروارید درخشان" کار می‌کردند که بعد از قطع همکاری پیمانکار در پایان اسفندماه سال گذشته، حق سنوات به همراه بیش از ۷ ماه بیمه سال ۹۲ حدود ۲۰۰ کارگر هنوز پرداخت نشده است. این کارگر خدماتی شهرداری اهواز با بیان اینکه کارگران به دلیل نداشتن امنیت شغلی و ترس از اخراج قدرت بیان مشکلاتشان را ندارند و در صورت اعتراض تهدید به اخراج می‌شوند، افزود: در تجمع امروز مسئولان شهرداری مرکزی اهواز قول وصول مطالبات کارگران خدماتی را حداکثر تا پایان روز پنجشنبه دادند به همین دلیل کارگران خدماتی بعد از یک ساعت اعتراض با اعتماد به قول مسئولان شهرداری مرکز، به تجمع خود خاتمه دادند.

وضعیت معاش کارگران کشاورز سراوان!

به گزارش ایلنا آفت‌های ناشی از خشکسالی به درختان نخل منطقه سراوان در استان سیستان و بلوچستان صدمات شدیدی وارد ساخته تا آنجا که زندگی بیش از ۶۰ درصد کارگران کشاورز منطقه را در وضعیت بحرانی قرار داده است. به دلیل خشکسالی و آفت‌های ناشی از آن بیش از ۲۰ درصد از درختان نخل منطقه سراوان از بین رفته است و چون شغل عمده مردم سراوان کشاورزی است، آفت ناشی از خشکسالی و کمبود آب کارگران کشاورز سراوانی را فقیرتر کرده است. یکی از کشاورزان منطقه سراوان در خصوص دلایل از بین رفتن نخل‌های خرمای منطقه سراوان گفت: از یک سو آفت ناشی از خشکسالی موجب پژمردگی میوه (خرما) شده و از سوی دیگر آفت مکس به دلیل نداشتن آفت‌کش‌ها، محصول خرما را به نابودی کشانده است. وی تصریح کرد: از حاصل ۴۰ تن محصول هرساله خرما شهرستان سراوان امسال تنها ۱۰ تن عاید کشاورزان گردیده است. این کارگر کشاورزی با بیان اینکه نخل خرما در هر سه سال یکبار به بار می‌نشیند و در سال‌های بعدی تعداد خوشه‌های خرما کمتر می‌شود، این موضوع را مزید بر علت فقیرتر شدن کارگران شاغل در نخلستان‌های سراوانی دانست.

تجمع اعتراضی کارگران آبفای اهواز!

حدود ۳۰۰ کارگر پیمانی آبفای اهواز که از سال گذشته تحت مسئولیت پنج شرکت پیمانکاری "سولار مکانیک"، "اسکله ساز"، "عمران سازان بردیا"، "شباهنگ" و "پرتو داچک" فعالیت می‌کنند هنوز نتوانسته‌اند معوقات حقوقی خود را از این

پیمانکاران دریافت کنند. بر همین اساس روز سه شنبه ۱۵ مهر ماه، جمعی از کارگران پیمانکاری اداره آب و فاضلاب اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه خود در مقابل دفتر شرکت پیمانکاری "پرتو داچک" واقع در خیابان کیان پارس اهواز تجمع کردند. کارگری که نخواست نامش فاش شود با بیان اینکه شرکت "سولار مکانیک" از تاریخ ۱۵ بهمن ماه سال گذشته از شرکت آبفا خارج شده است افزود: شرکت "سولار مکانیک" بابت عیدی و سنوات پایان خدمت به تعدادی از کارگران آبفای اهواز یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان و به عده‌ای دیگر ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان بدهکار است. اداره آب و فاضلاب اهواز بعد از اعتراضات مکرر کارگران پیمانی در واکنش به بی‌توجهی کارفرمایان دو شرکت "سولار مکانیک" و "اسکله ساز" در پرداخت معوقات حقوقی کارگران با تغییر پیمانکار این بار با شرکت جدید به نام "عمران سازان بردیا" قرارداد بست که این شرکت نیز به دلیل ناتوانی در انجام کار با پرداخت نیمی از حقوق اردیبهشت ماه کارگران قرار داد خود را با آبفای اهواز خاتمه داد. مطالبه کارگران از این شرکت پیمانکاری مربوط به ماه های اردیبهشت، خرداد و تیر ماه سال جاری است. شرکت پیمانکاری "پرتو داچک" در حال حاضر به عنوان آخرین پیمانکار آبفای اهواز از مرداد ماه مسئولیت حدود ۳۰۰ کارگر را به عنوان موتورچی و پمپ چی آب در سطح شهر اهواز بر عهده گرفته است. این شرکت نیز بعد از عقد قرار داد، دو ماه حقوق و بیمه مربوط به ماه های مرداد و شهریور را پرداخت نکرده است. پیش از این نیز (مرداد ماه سال جاری) شرکت دولتی آبفای اهواز به بهانه پرداخت مطالبات کارگران از تمامی ۳۰۰ کارگر برگه تسویه حساب گرفته اما تنها مطالبات ۵۰ کارگر را پرداخت کرده است.

تجمع اعتراضی کارگران پایانه‌های غرب تهران!



صبح روز چهارشنبه ۹ مهر ماه، ۳۰ نفر از کارگران پایانه‌های غرب تهران به دلیل آن‌چه که بی‌اعتنایی مدیرعامل به مطالبات‌شان خوانده می‌شود و در اعتراض به اعمال فشار برای امضای قرارداد جدید، عدم دریافت سه ماه علی‌الحساب حقوق و دستمزد، سه ماه تعویق در پرداخت حق بیمه و نپرداختن حق اولاد شهریورماه در مقابل ساختمان شورای شهر تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. یکی از کارگران درباره دلایل این تجمع اظهار داشت: پیمانکار هر روز ما را زیر فشار قرار می‌دهد که باید قراردادهای جدید را امضا کنید و گرنه همین رویه پرداختی ادامه خواهد یافت. به گفته این کارگر

پایانه غرب، پیمانکار سه ماه قبل قرارداد جدیدی را به کارگران پیشنهاد داد که بر اساس آن با تقسیم کار به روزانه و شبانه، حقوق دریافتی کارگران کاهش می‌یابد اما کارگران از امضای این قرارداد سر باز زده‌اند. مدیرعامل به تمامی کارگران معترض گفته است تا از هرگونه تجمع اعتراضی اجتناب کنند زیرا "با پلیس امنیت هماهنگ شده تا معترضان را دستگیر کند" اما طی تماس تلفنی کارگران با پلیس امنیت، آنان از ما خواستند تا به صورت آرام و در داخل ساختمان به گفتگو و مذاکره بپردازیم. اما در جریان مذاکرات مسئول بازرسی شهرداری مرکز به کارگران معترض تاکید کرد که به دلیل اجرای اصل برون‌سپاری بخشی از وظایف دولت به بخش خصوصی، کارگران می‌بایست قراردادهای خود را امضا کرده و به کار بازگردند. کارگران نیز با شنیدن این سخنان با اشاره به کاهش ۴۵۰ هزار تومانی حقوق و مزایای خود اظهار داشتند چنین قراردادی ظلم به کارگران بوده و باید پیمانکار تغییر کند. مسئول بازرسی شهرداری مرکز، پس از شنیدن این سخنان کارگران با مسئولان بازرسی سازمان پایانه‌ها و پارک سوار غرب، حراست سازمان پایانه‌ها و رییس ترمنال غرب گفتگوهایی را در خصوص حل مشکل کارگران انجام داد اما باز گفته‌های قبلی خود را مبنی بر بازگشت به کار و پذیرفتن شرایط حاضر تکرار کرد. کارگران نیز برای ادامه اعتراض خود به دیوان عدالت اداری و وزارت کار مراجعه و شکایت‌نامه‌های دیگری را تنظیم کردند. روز پنجشنبه ۱۰ مهر ماه، ۱۵۰ تن از کارگران بخش نگهداری پایانه‌های غرب، شرق، جنوب و بیهقی واقع در شهر تهران در پی عدم کسب مطالباتشان، نامه ای خطاب به چند تن از مقامات کشوری و شهرداری و شورای شهر تهران، ارسال داشتند و نسبت به آنچه "تشویق به درگیری با مردم از جانب پیمانکار" خوانده‌اند هشدار دادند. این کارگران نوشته‌اند "نمی‌خواهیم به اتفاقی که چندی پیش برای کارکنان سد معبر پیمانکار منطقه ۴ افتاد دچار شویم". این کارگران که طی سه ماه گذشته از امضای قرارداد جدید با این شرکت پیمانکاری خودداری کرده‌اند، در این نامه مدعی شده‌اند که از جانب مدیرعامل و مدیران پایانه‌ها برای امضای قرارداد تحت فشار هستند و در این خصوص تهدید به اخراج شده‌اند. این کارگران شرکت پیمانکاری را متهم به تشویق نگهداران برای درگیری با دستفروشان کرده‌اند و نوشته‌اند با وجود آنکه به آن **اطمینان داده می‌شود که پس از درگیری "از جانب ارگان‌های دیگر از شما حمایت می‌شود"** اما آنان نمی‌خواهند به سرنویشت ماموران پیمانکاری سد معبر منطقه چهار تهران دچار شوند. **که اقداماتشان باعث قتل کارگری به نام علی چراغی شد!**

جان باختن یک کارگر در هنگام بارگیری جرتقیل در مشهد!

سرپرست ایستگاه ۴۰ سازمان آتش نشانی مشهد، روز یکشنبه سیزدهم مهر ماه، از برخورد اتومبیل سواری سمند به تیر آهن‌های در حال بارگیری در یک کامیونت جرتقیل دار در مشهد اطلاع داد و گفت: در این حادثه خودرو سواری هنگامی که جرتقیل در حال بارگیری آهن در خیابان امام

خمینی مشهد بود به علت نامعلومی به قسمت جلویی این تیره آهن برخورد می‌کند. بر اثر این برخورد قسمت انتهایی آهن با شدت به کارگری که مشغول بارگیری بود اصابت کرده و وی بین جرتقیل و آهن گیر افتاده و در دم جان خود را از دست می‌دهد.

جان باختن کارگری بر اثر انفجار در پالایشگاه فجر جم!



روز شنبه ۲۶ مهر ماه، سه کارگر شاغل در یکی از شرکت‌های پیمانکاری پالایشگاه "فجر" در شهرستان جم واقع در استان بوشهر حین انجام تعمیرات نشتی در ارتفاع ۶ متری، به دلیل انفجار لوله گاز از ارتفاع سقوط کردند. بر اساس این گزارش؛ با سقوط این سه کارگر از ارتفاع یکی از کارگران که ده سال سابقه کار در این پالایشگاه را داشت بر اثر ضربه مغزی در دم جان باخت و دو کارگر دیگر دچار آسیب دیدگی شده و به بیمارستان توحید در استان فارس (بیمارستان زیر مجموعه بهداشت درمان صنعت نفت) انتقال یافتند که شرایط سلامت یکی از کارگران وخیم توصیف شده است. به دنبال این حادثه پایگاه خبری اتحاد جنوب به نقل از شاهدان عینی گزارش داد که "متأسفانه رکوردزنی پالایشگاه فرسوده فجر جم در گذر از مرز تولید روزانه ۱۲۰ میلیون مترمکعب گاز، با قربانی شدن کارگران زحمتکش این پالایشگاه همراه است". یکی از کارگران پالایشگاه در رابطه با این حادثه گفت که فشار گاز داخل لوله "۶۵ بار" بوده است و برای درک بهتر مطلب توضیح داد که: لازم است بدانیم که فشار درون شلنگ‌های آب شتشیوی اتومبیل (کارواش) که قادر است پوست دست انسان را بشکافد فقط ۲۰ بار است. معمولاً در این گونه مواقع فشار درون لوله را به صفر می‌رسانند و پس از تعمیر کامل و رفع نشتی، مجدد آن را به کار می‌اندازند اما در این مورد با توجه به اینکه گفته شده است پالایشگاه جم قرار است به رکورد تولید گاز روزانه ۱۲۰ میلیون متر مکعب برسد و برای اینکه تولید گاز متوقف نشود، فشار داخل لوله را تغییر ندادند و کارگران روی لوله گاز ناامن با فشار ۶۵ بار مشغول به کار شدند. این کارگر در ادامه افزود، با وجود خطراتی که این مسئله داشت مجوز ایمنی صادر شد مبنی بر اینکه اگر فشار گاز درون لوله به صفر نرسد، وضعیت کار روی آن از ایمنی برخوردار است و خطری کارگران را تهدید نمی‌کند. در ادامه تعمیرات لوله و در نتیجه فشار گاز درون آن یک واشر فلزی شکسته شده و فشار گاز کارگران را از درون کمر بندهای ایمنی که بسته بودند به بیرون پرت کرد. اما، روز شنبه ۲۶ مهر ماه، مدیر عامل پالایشگاه اعلام کرد؛ این کار بر

اساس دستور العمل‌های جاری و مصوب وزارت نفت صورت گرفته است. و در واکنش به اظهارات شاهدان عینی از جزئیات حادثه، توضیح داد طبق دستور العمل‌های وزارت نفت، روش مرسوم و جاری به این گونه است که برای هر عملیاتی که روی خط لوله گاز صورت می‌گیرد فشار گاز درون آن کم نمی‌شود بلکه این عمل فقط شامل مجموعه خاصی از اقدامات مانند جوشکاری خط لوله است.

رشد چشمگیر "کودکان کار" در کرمان!



مدیرکل بهزیستی استان کرمان در گفت‌وگو با ایسنا، از افزایش رشد پدیده کودکان کار در کرمان نسبت به پارسال، خبر داد و گفت: این رشد نسبت به پارسال، حدود ۱۸ درصد است.

شرکت آمریکایی «هیولت پاکارد» ۵۵ هزار فرصت شغلی را حذف می‌کند!

به گزارش خبرگزاری فرانسه شرکت رایانه ای آمریکایی هیولت پاکارد اعلام کرد در نظر دارد ۵۵۰۰۰ فرصت شغلی را حذف کند. حذف فرصت های شغلی شرکت هیولت پاکارد نخست در سال ۲۰۱۲ آغاز شد و دامنه آن بارها گسترش یافت. هنگام اعلام نتایج سه ماهه اخیر در ماه اوت، هیولت پاکارد اعلام کرد از ۴۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ هزار فرصت شغلی را حذف خواهد کرد. گزارش خبرگزاری فرانسه از نیویورک حاکی است که این شرکت آمریکایی با انتشار اسنادی اعلام کرده «کاهش فرصت های شغلی بیشتری شناسایی شده است و اکنون ما پیش بینی می‌کنیم ۵۵۰۰۰ فرصت شغلی را کاهش دهیم».

انفجار مرگبار در یکی از معادن چین!



به گزارش «شین هوا»، بر اثر انفجار گاز در یکی از معادن ذغال سنگ در جنوب غربی چین، دستکم سه کارگر کشته و هفت تن دیگر ناپدید شدند. بر اساس این گزارش در زمان وقوع انفجار در این معدن، یکصد و ۳۴ کارگر داخل معدن مشغول به کار بوده اند، که نیروهای امداد و نجات چین توانستند ۱۲۶ نفر را از داخل معدن نجات دهند در حالی که ۱۳ نفر از آنان مجروح شده بودند و دو تن از زخمی ها به دلیل شدت جراحات جان باختند.



برای آشنائی با دیدگاه ها و تحلیل های چریکهای فدائی خلق ایران از سایتهای زیر دیدن کنید.

www.siahkal.com

www.ashrafdehghani.com

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه نمایید

BM BOX 5051

LONDON

WC1N 3XX

ENGLAND

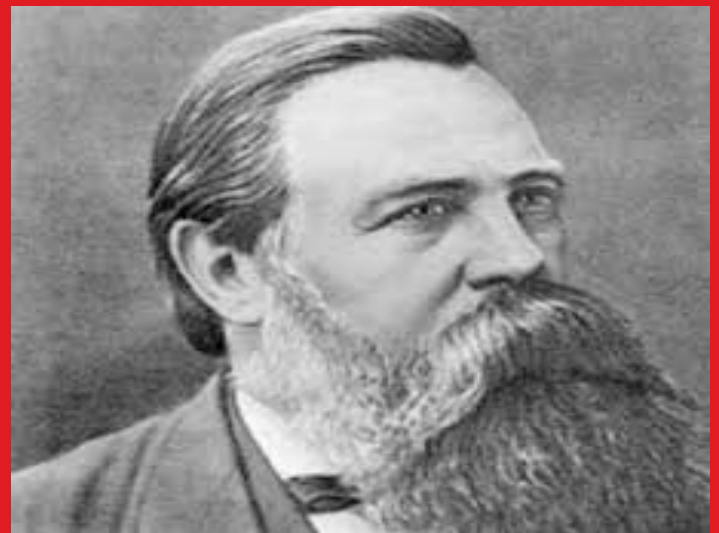
آدرس پست الکترونیک

E-mail

ipfg@hotmail.com



چریکهای فدائی خلق ایران



“زمانی که فردی به فردی دیگر آسیب جسمی وارد می آورد، آن هم آسیبی که به مرگ وی بیانجامد، این را ما قتل غیر عمد می نامیم، و هنگامی که شخص ضارب از پیش بداند که آسیب وارده به مرگ طرف مقابل منجر خواهد شد آنگاه عمل او را قتل عمد می نامیم. هنگامی که جامعه صد ها پروتتر را در چنان وضعی قرار می دهد که آن ها بطور حتم به دام مرگی زودرس و غیر طبیعی می افتند، مرگی به همان اندازه ناشی از اعمال خشونت که مرگ در اثر شلیک گلوله و یا به ضرب شمشیر، وقتی جامعه هزاران انسان را از شرایط لازم حیات محروم ساخته و آن ها را در شرایطی قرار می دهد که در آن قادر به زندگی کردن نیستند، وقتی که آن ها را به زور چوب قانون مجبور می سازد که در این شرایط بمانند تا مرگ که نتیجه اجتناب ناپذیر این شرایط است فرا رسد وقتی جامعه می داند و به خوبی هم می داند که این هزاران نفر اجبارا قربانی این شرایط خواهند شد، و با وجود این، شرایط مربوطه را برقرار نگاه می دارد، این عمل جامعه یک نوع قتل عمد است درست مثل قتل عمد توسط یک فرد، قتلی پنهانی و خائفانه، قتلی که هیچ کسی نمی تواند در قبال آن از خویشان دفاع کند. قتلی که ظاهرا قتل نیست، زیرا که کسی قائل را نمی بیند، زیرا که مرگ این قربانی چونان مرگی طبیعی به نظر می آید چرا که در آن، تعرض به عمل آمده بیشتر ناشی از بی عملی است تا انجام وظیفه. ولی در هر حال در اینجا ارتکاب به قتل عمد، محرز است“

(فردریک انگلس، “وضع طبقه کارگر در انگلستان“)

بر قرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر